

مجله علمی تحقیقی بین المللی علوم اسلامی
مجله دراسات اسلامية، عالمية، علمية، محكمة
Uluslararası İslami Araştırmalar Dergisi
International Journal of Islamic Studies

دیوان

ISSN: 2706-6428 E-ISSN: 2707-7462

جلد: ۰۳ شماره: ۰۲ سال: ۱۴۰۱
Volume: 3 Issue: 2 Year: 2022

حکم تشریح اعضای انسان در فقه اسلامی
حکم تشریح الأعضاء البشرية في الفقه الإسلامي
İslam Hukukunda İnsan Organlarının Hükümü

The Rule of Dissection and Anatomy of Human Body in Islamic Jurisprudence

Doi: <http://dx.doi.org/10.48117/Diwan.2022.21>

پوهنیار محمد عمر قاریزاده*

Makale Bilgisi / Article Information

Makalenin Türü/Article Type: Araştırma makalesi/Research Article

Geliş Tarihi / Received Date: 30.06.2021

Kabul Tarihi / Accepted Date: 24.05.2022

معلومات مقاله / بيانات المقال

نوع مقاله / نوع المقالة: تحقیقی / البحثي

تاریخ دریافت مقاله / تاریخ استلام المقال:

تاریخ پذیرش مقاله / تاریخ قبول المقال:

Bu makale, Turnitin yazılımınca taranmıştır. İntihal

tespit edilmemiştir.

This article has been scanned by Turnitin. No

plagiarism detected.

این مقاله توسط نرم افزار تورنیتین (Turnitin) بررسی شده

(plagiarism) یا سرقت ادبی تثبیت نگردید.

قد خضع المقال لبرنامج فحص الانتحال (Turnitin) و لم

يثبت أنه من السرقات الأدبية.

نحوه ارجاع دهی از این مقاله در پاورقی

محمد عمر قاریزاده، "حکم تشریح اعضای انسان در فقه اسلامی"، مجله دیوان ۲/۳ (سرطان ۱۴۰۱)، ۳۱-۵۳.

Atıf

Mohammad Omar Qarizada, "İslam Hukukunda İnsan Organlarının Kesilmesine İlişkin Hüküm", *Diwan Dergisi* 3/2 (Temmuz 2022), 31-53.

* عضو کادر علمی دانشکده شرعیات دانشگاه بلخ

ORCID ID: 0000-0002-5622-8114

چکیده:

واژه های کلیدی:

حکم، تشریح،
اعضاء، کالبد
شگافی، مثله کردن

از جمله موضوعات روز با پیشرفت علوم، تشریح جسد میت میباشد و به عنوان یکی از دست آورد های نوین علم پزشکی وارد عرصه جامعه بشری شده است. تشریح اعضاء جهت تشخیص بیماری های ساری، علل مرگ و تعلیم و آموزش محصلین بخش طب صورت میگیرد، در مورد کالبد شکافی اعضاء میت جهت حمایت حقوق اعضاء جامعه، فقهاء و مجتهدین کرام نظریات خود را با در نظر داشت فهم شان از دلایل شرعی بیان داشته اند که عمدتاً به دو کتگوری خلاصه میگردد: دیدگاه نخست: تشریح اعضاء میت را تحت شرایط خاص با در نظر داشت ضرورت به دست یافتن قاتل، نوع مرض جاز شمرده اند. دیدگاه دوم: تشریح اعضاء میت را مطلقاً نا مشروع می خوانند، و آن را متعارض با کرامت و شخصیت انسانی و اهانت به انسان مانند (مثله و هتک حرمت به جسد انسانی) میدانند. پس از تحقیق در مورد موضوع تشریح اعضاء یا کالبد شگافی به این نتیجه دست یافتیم که گروهی از علماء کاملاً مخالف دارند و جمعی هم کاملاً موافق هستند، و در رساله حاضر پیرامون حکم مسأله تشریح اعضاء میت تأمل لازم انجام شده است، و نفی یا اثبات آن، از نظر فقهاء با در نظر داشت درک شان از دلایل و نصوص شرعی بیان گردیده است.

الملخص:

الكلمات المفتاحية:

الحکم، التشریح،
الأعضاء، تشریح
الجنّة، المثلة

يعد تشریح الأعضاء البشرية - مع تقدم العلم - من الموضوعات الحديثة في المجتمع البشري، وهو من الإنجازات الجديدة في مجال الطب. ويتم تشریح الأعضاء البشرية لأغراض مثل تشخيص الأمراض المعدية، ومعرفة أسباب الموت، وتعليم طلبة الطب وتدريبهم. وقد أبدى الفقهاء آراءهم بالأدلة الشرعية حول تشریح أعضاء الميت لحماية حقوق الإنسان. ولهم رأيان في ذلك: الرأي الأول: يجوز تشریح أعضاء الميت عند الضرورة، وذلك لمعرفة القاتل أو نوعيّة المرض مثلاً. وأما الرأي الثاني: تشریح أعضاء الميت ممنوع منعاً باتاً، ويرى أهل هذا الرأي أنه بمثابة مثلة، حيث يتعارض مع كرامة الجسد الإنساني، ومما فيه أيضاً من إذلال لكرامة البشر، وإهانة للإنسان. وما توصل إليه الباحث من خلال بحثه هذا حول تشریح الأعضاء البشرية؛ أن بعض العلماء يخالفون الأمر تماماً وبعضهم يوافقون تماماً. وتناول البحث حكم تشریح أعضاء الميت بالتفصيل، وبين آراء الفقهاء وأهل العلم فيه بالأدلة وفقاً للنصوص الشرعية.

Özet:

Bilimin ilerlemesiyle günümüz konularından biri olan İnsan organlarının incelenmesi tıp alanında yeni başarılarından biridir. İnsan organlarının incelenmesi, bulaşıcı hastalıkların teşhisi, ölüm nedenlerinin belirlenmesi, tıp öğrencilerinin öğrenimi ve yetiştirilmesi gibi amaçlarla kullanılmaktadır. Hukukçular, insan haklarının korunması için ölülerin organlarının kesilmesi konusunda hukuki delillerle görüşlerini dile getirmişlerdir. Bu konuda iki görüş vardır: Birinci görüş: Örneğin, katili veya hastalığın türünü bilmek için gerektiğinde ölünün organlarını incelemek caizdir. İkinci görüşe gelince: Ölülerin organlarının kesilmesi kesinlikle yasaktır ve insan vücudunun onuruna aykırı olduğu ve insan onurunun aşağılanması içerdiği için bunu bir (müsl, insan cesedine hakaret) olarak görür. İnsan organlarının anatomisi üzerine yaptığımız araştırmalar sonucunda; Bazı alimler tamamen muhalifler ve bazıları tamamen caiz görürler. Araştırma, ölülerin organlarının incelenmesi hükmünü ayrıntılı olarak ele almış, şeri deliller ve metinlere göre bu konudaki fakih ve âlimlerin olumlu veya olumsuz görüşlerini delillerle ortaya koymuştur.

Anahtar Kelimeler:

Hüküm, İncelenme, Organlar, Otopsi, Misle.

Abstract:

Among the latest issues which is in progress with science, is dissection and anatomy of dead body that is known a new medical profession achievement in contemporary age. Anatomy of bodies is to diagnose of pandemic diseases, dead reasons and to educate and train the medical students. Islamic scholars expressed their ideas based on Islamic resources the sanction and prohibition of dissection or anatomy that are divided into two categories: First opinion: permitted the autopsy of dead body according to essential conditions like finding murderer and sicknesses. Second opinion: Islamic scholars expressed autopsy of dead body illegal and argue that dissection is against of human generosity and insolence such as truncation and dishonor of human bodies. This research has been done to compare the viewpoint of Islamic scholars on sanction and prohibition of autopsy considering their knowledge from Islamic resources.

Keywords:

Commandment, Anatomy, bodies, Autopsy, mutilate

مقدمه

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على خير خلقه محمد وآله وأصحابه أجمعين.

تشریح اعضای یکی از جمله موضوعاتی است که به اثر پیشرفت های چشمگیر علم پزشکی روز در زمینه تشخیص امراض ساری و تعلیم و آموزش دانشجویان به شکل عملی و پیوند عضو میت برای شخص زنده جهت ادامه حیات و همچنان از طرف دستگاه قضایی جهت تشخیصی نوع قتل و دست یافتن به قاتل اصلی جهت تطبیق احکام شرعی صورت میگیرد، و این مسأله امروز از اهمیت خاص برخوردار شده و مورد توجه جهانیان قرار گرفته است. تشریح اعضای به معنای باز شناختن اعضا و جوارح جسد انسان یا حیوان از راه شکافتن بدن آنان است یا علم تقطیع جسد میت و جستجو برای وقوف بر کیفیت ترکیب و علل آن خواهد بود، مسأله تشریح اعضای یکی از موضوعات داغ روز است شاید عده ای بنا بر تازه گی موضوع فکر کنند که در کتاب های فقهای گذشته ذکری از آن به میان نیامده است در حالیکه چنین نیست.

فقهای پیشین با سعی تمام به طرح مسأله مزبور پرداخته و از زوایای مختلف آن را مورد بررسی قرار داده اند، چنین تحقیقاتی افق نگاه آنان را در ترسیم و ارزیابی مسایل و کنجکاوی شان را در بیان احکام به نمایش میگذارد. و از سوی دیگر موضوع تشریح یا کالبد شگافی اعضای انسان به خاطر اغراض مختلف که در آن نهفته است در عصر آنان امر غیر قابل تصویری هم نبود، بلکه متقدمین با این موضوع آشنایی داشتند و پیرامون آن احکامی را صادر کردند.

با توجه به گفته های فوق درین مقاله تحقیقی ابتدا مفاهیم؛ حکم، تشریح، اعضای، کالبد شگافی را از نظر فقهاء و اطباء تعریف نموده، سپس پیرامون مسأله حکم تشریح اعضای انسان با در نظر داشت دلایل موافقین و مخالفین آن بحث صورت گرفته و در اخیر با ذکر نتیجه گیری و ثبت منابع تحقیق موضوع به پایان میرسد.

اهمیت موضوع:

حکم تشریح اعضای میت که موضوع بحث و تحقیق مقاله حاضر است از اهمیت و جایگاه خاص برخوردار میباشد، زیرا در یک کشور اسلامی لازم است که اطباء، قضات و متخصصین، احکام اسلامی را در مورد تشریح یا کالبد شگافی اعضای دانسته، و بتوانند در روشنائی آن احکام وجیهه و مسؤلیت خویش را با دقت کامل انجام دهند. اطباء و متخصصین درین رشته هنگام تشریح یا کالبد شگافی اجساد به خاطر تشخیص امراض مهلک، کشف جرم، علت مرگ و تعلیم این علم برای دانشجویان رشته طبابت کاری نکنند که مخالف احکام شریعت اسلامی باشد، زیرا در احکام شریعت اسلامی دانستن اموری چون؛ ستر عورت، حرمت مثله کردن اعضای، عدم اختلاط، دوری از اعمال تحریک کننده شهوت و رعایت احترام به جسد متوفی و امثال این موضوعات از وجایب هر مسلمان به ویژه دست اند کاران رشته طبابت است. از همین جا اهمیت بحث روشن میشود که در آن موضوعات فوق الذکر به تفصیل و شرح تمام، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

هدف تحقیق:

رساله های علمی و تحقیقی دارای یک سلسله اهداف روشن و معین می باشند، از اینرو بنده رساله تحقیقی خویش را تحت عنوان (حکم تشریح اعضای انسان در فقه اسلامی) روی اهداف ذیل به رشته تحریر در آوردم:

۱- آشکار ساختن حکم تشریح یا کالبد شکافی اعضای انسان در منابع اسلامی و نقش آن در امنیت و صحت‌مندی جامعه.

۲- آگاه ساختن مردم بخصوص اطباء و قضات مسلمان از منافع، اضرار و احکام فقهی و شرعی تشریح اعضای انسان حین اجرای حکم جهت تشخیص امراض و علل مرگ.

۳- اطلاع دهی مریبان و دانش آموزان از فتاوی علمای اسلام در خصوص زمینه تشریح اعضای میت حین یاد گیری و آموزش در بخش های عملی و تطبیقی.

روش تحقیق:

تحقیق حاضر پیرامون مسئله تشریح اعضای انسان به شیوه کتابخانه ای اجراء گردیده است اما این مزیت رخصت تحقیق ساحوی را دارا بوده به این معنی که آخرین و تازه ترین تحقیقات انجام شده توأم با آراء و دلایل فقهی، در آن گنجانیده شده است علاوه بر این پژوهش های جدید با آرای فقیهیان قدیم مقارنه و مقایسه گردیده و دلیل راجح در آن بیرون آورده شده است که مأخوذ از کتب فقهی و احادیث و کتب معتبر دست اول و نوشته های علماء پیرامون آن، با مراجعه به کتابخانه ها و سایت های اینترنتی گرد آوری نموده است، تا برای خوانندگان و پژوهش گران سهل و آسان گردد. و قابل ذکر است که در آخر بحث فهرست روشنی از منابع و مأخذی که در عرصه بحث از آنها استفاده کامل نموده ام، به ترتیب الفبایی، در پیشروی خواننده عزیز قرار دارد.

مرور برآثار و مراجع:

تشریح اعضاء یکی از جمله موضوعات مهم صحتی در بخش های تشخیص امراض خطرناک و ساری کشف جرم و شناسایی قاتل، علت مرگ، نجات جنین ... بشمار میرود، در این رابطه تا جای که جستجو کردم چند مقاله به زبان فارسی دری از طرف فرهنگیان نوشته شده که بیشتر توجه نویسندگان آن به آراء فقهای شیعه صورت گرفته از جمله مقالات: بررسی و تحلیل حکم تشریح از دیدگاه فقه شیعه با رویکردی بر دیدگاه امام خمینی، از حسین نمازی فر وفتح الله قربانی، حکم تشریح از دیدگاه فقه اسلامی، اسدالله لطفی، نگرشی نو بر مبانی فقهی حکم کالبد شکافی بر اساس آرای امام خمینی، از حسن رضا خلجی، اما به زبان دری در افغانستان تألیفات مستقلی تحت این عنوان از قبل صورت نگرفته، اما در منابع دیگر در لابلاهای مباحث بطور ضمنی مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته است از جمله: دیدگاه های فقهی معاصر، تألیف دکتر یوسف قرضاوی، القواعد الفقهية وتطبيقاتها فی المذاهب الأربعة، تألیف دکتر وهبة الزحیلی، تشریح جسم الانسان لأعراض التعليم الطبی نوشته شیر شاکر، مبادی علم التشریح و وظائف الأعضاء از شفیق عبدالملک، قضایا فقهية معاصرة از بوطی، محمد سعید رمضان، چون بحث و تحقیق در این مورد بشکل پراکنده و غیر منسجم انجام شده است و همچنان مقالات که نامبرد شد بیشتر

متمركز به آرای فقهای شیعه میباشد، در رساله حاضر سعی و کوشش به عمل آمده تا موضوع به شکل مستقل و دقیق با در نظر داشت نظریات علماء وفقهای اهل سنت و مقررات ولایحه وزارت صحت کشور افغانستان مورد تحقیق قرار گیرد.

سؤالات تحقیق:

- ۱- آیا تشریح جسد انسانی در منابع اسلامی مشروعیت دارد؟
- ۲- آیا در مقررہ های بخش وزارت صحت عامه موضوع تشریح جسد انسانی تصریح شده ؟
- ۳- تشریح جسد انسانی روی کدام اغرض صورت میگیرد ؟

فرضیه های تحقیق:

- ۱- تشریح جسد انسانی با در نظر داشت عوامل و اسباب مختلف که دارد درحالات ضرورت مشروعیت دارد.
- ۲- در ارتباط تشریح جسد انسانی مقررہ های لازم در وزارت صحت عامه کشور وجود دارد و دکتوران مطابق آن عمل مینمایند.
- ۳- در تشریح جسد انسانی اغراض مختلف؛ تشخیص نوع بیماری- تشخیص و عوامل قتل... وجود دارد.

تعریف لغوی و اصطلاحی حکم:

الف) حکم در لغت: به معنی امر، توفیق، دستور، رأی، فتوی، قضاوت، داوری، فرمان، اجازه، جواز... میباشد.^۱

ب) حکم در اصطلاح: ثابت ساختن امر ایجابی یا سلبی برای دیگر را گویند. مانند این گفته: آفتاب روشن کننده است یا نیست، یا آب گرم است یا سرد است. حکم شرعی در اصطلاح فقهاء عبارت است از اثر مرتبه خطاب شارع نسبت به فعل مکلف است، مانند وجوب، حرمت و اباحت و غیره.^۲

تعریف لغوی و اصطلاحی تشریح:

الف) تشریح در لغت: مصدر فعل (شرح یشرح شرحاً و تشریحاً) بوده به معنای قطعه قطعه کردن یک شی و جدا ساختن بعضی اجزای آن از برخی دیگر.^۳

و در لسان عرب آمده: "التشریح لغة الكشف، و منه تشریح اللحم و القطعة منه شریحة"^۴ ترجمه: تشریح در لغت به معنی کشف آشکار ساختن است و تشریح لحم و قطعه- قطعه ساختن آن از همین مفهوم (کشف..) گرفته شده است.

^۱ واژه یاب، "حکم" (دسترسى ۳۱ جوزا ۱۴۰۰).

^۲ عبدالکریم زیدان، الوجیز در اصول فقه، مترجم: فزاد پارسا (تهران: انتشارات احسان، ۱۳۸۸ش)، ۲۵.

^۳ آنیس، ابراهیم و دیگران، المعجم الوسیط (استانبول: دارالدعوة، ۱۹۸۹ م)، ۴۷۷.

^۴ ابوالفضل، جمال الدین، محمد مکرم بن منظور، لسان العرب (بیروت: دار صادر، بی تا)، ۴۹۷/۲.

ب) تشریح در اصطلاح فقهاء: در تعریف تشریح این عبارت آمده: و فی اصطلاح التشریح: "هو العلم الذي يدرس تركيب اجسام المخلوقات الحية عامة، من نبات أو حيوان أو إنسان"^۵ ترجمه: تشریح در اصطلاح، عبارت از علمی است که ترکیب و ساختار اجسام موجودات زنده را به طور عام از قبیل نبات (گیاه) حیوان یا انسان در دایره ی آن علم مورد بحث و بررسی قرار میگیرد و اناتومی به همین معنی استعمال میشود.

ج) تشریح در اصطلاح طبی: مقصود از تشریح طبی عبارت از علمی است که در باره ترکیب اجسام عضوی، تجزیه و تحلیل آن و قطع نمودن و شق کردن به طور علمی، برای جستجو و تحقیق طبی بحث می نماید. و در زبان انگلیسی این علم را به نام (Anatomy) یاد می کنند.^۶

تعریف لغوی و اصطلاحی اعضاء

الف) عضو در لغت: اصل واژه (عضو) به معنی قطع و جدایی آمده چنانچه ابن منظور در (لسان العرب) چنین مینویسد: واصل الكلمة بمعنی القطع والتفريق يقال: عضى الشىء: فرقة و وزعة، والعضة: القطعة والفرقة وفى التنزيل: ﴿جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ﴾^۷ ای: اجزاء متفرقة، فأمّو ببعض و كفروا ببعض^۸ ترجمه: ریشه کلمه به معنی بریدن و جدا کردن است. گفته میشود: عضى الشىء: آن (چیز) را جدا- جدا کرد و تقسیمش نمود. کلمه (عضه) بمعنی قطعه و پارچه است. در قرآن کریم آمده: ﴿جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ﴾ قرآن کریم را بخش بخش کردند. یعنی آنرا اجزای متفرق ساختند که به برخی آن ایمان آوردند و به بعضی دیگر کفر ورزیدند.^۹

ب) تعریف عضو در اصطلاح فقهی: عضو در اصطلاح فقهاء؛ عبارت از همان جزء انسان بوده، اعم از انساج، حجرات بدن و هم مانند اینها، مثل کاسه چشم و امثال آن، خواه متصل باشد یا منفصل. همچنان اطلاق عضو بر جزء متمیزی از مجموع جسد میگردد، خواه از انسان باشد یا از حیوان مانند دست پا گوش و.... همچنین وهبة الزحیلی در (الفقه الإسلامی و أدلته) عضو را چنین تعریف نموده است: يقصد هنا بالعضو: أى جزء من الإنسان، من أنسجة و خلايا و دماء ونحوها، كقرنية العين، سواء أكان متصلا به، أم انفصل عنه.^{۱۰} ترجمه: مراد از عضو این بخش بحث یک حصه بدن یا پیکر انسان است که عبارت از انساج و حجرات و خون و مثال آن، مانند قرنیه چشم است، برابر است که متصل به پیکر آن (انسان) باشد، یا جدا از آن.

ج) تعریف عضو در اصطلاح طبی: اطباء و دکتوران عضو را چنین تعریف مینمایند: «عضو عبارت از جزء محدودی از جسم بوده که وظیفه معین را در بدن اجراء می نماید».^{۱۱}

^۵ نورالله کوثر، نقل و پیوند اعضای انسان در پرتو احکام فقه اسلامی (کابل: انتشارات سیرت، ۱۳۹۲ ش)، ۲۴۴.

^۶ محمد علی بار، علم التشریح عند المسلمین (السعودية: بی نا، بی تا)، ۱/۱۴۰۷.

^۷ الحجر، ۹۱/۱۵.

^۸ ابن منظور، لسان العرب، ۶۸/۱۵.

^۹ کوثر، نقل و پیوند اعضای انسان در پرتو احکام فقه اسلامی، ۱۸.

^{۱۰} وهبة بن مصطفى الزحیلی، الفقه الإسلامی و أدلته (پاکستان: رشیدیة، بی تا)، ۱/۵۲۱.

^{۱۱} احمد شوقی عمر ابوخطوة، القانون الجنائی و الطب الحديث (مصر: دارالوفاء، ۱۹۹۷م)، ۲۱۹.

تعداد دیگری از اطباء عضو را چنین تعریف می نمایند: «عضو (Organ) عبارت انساج (tissues)، حجرات (Cells)، خون (blood) و همانند اینها بوده که وظیفه معین و مشخصی را در بدن و جسم انجام میدهد متصل و چسپیده باشد یا منفصل و جدا».^{۱۲}

از مجموعه تعاریف فوق به وضوح معلوم گردید که عضو عبارت از مجموعه انساج، حجرات، خون آب و ... در بدن بوده که شکل علیحده فزیکتی را در جسم به خود می گیرد.

تعریف کالبد شکافی:

(الف) در لغت: به معنی شکافتن بدن مرده، و از هم بازکردن اندام میت.^{۱۳}
(ب) در اصطلاح: کالبد شکافی عبارت از تجزیه و تفکیک اعضا و اندامهای اجساد برای بازشناسی پزشکی جوارح به منظور دستیابی به راز آسیب و جنایتی که بر آن وارد شده است.^{۱۴}

اغراض تشریح:

از اینکه شریعت اسلامی بازی و عبث را به جسد انسان متوفی اجازه نمی دهد، همچنان مثله نمودن جسد نیز از موارد ممنوعه در شریعت اسلامی به شمار می آید، بناءً سوالی ایجاد می شود که حکم تشریح و این نوع جراحی چیست؟ برای پاسخ به این سؤال لازمست ابتداء اغراض تشریح بیان گردیده سپس در روشنی هر غرض حکم آن نیز واضح گردد؛ اغراض تشریح جسد انسانی:

۱- تشریح جنائی به منظور شناخت مجرم و اظهار برائت متهم و برای معرفت سبب وفات در حوادث قتل صورت میگیرد، همچنان در حالت قتل یا وفات مجهول النسب، به همین منظور برای تحدید و تعیین عمر و جنس صورت میگیرد.^{۱۵}

۲- تشریح برای کشف مرض: این نوع تشریح معمولاً برای شناخت امراض، تأثیر آن و علاج مرض همچنان در صورت موجودیت و بای عام و یا شیوع مرض عام الشمول صورت می گیرد.

۳ - تشریح تعلیمی که به منظور تعلیم و تعلم، و برای معرفت اعضاء و وظائف آن و برای اخراج مهره توسط اطباء صورت می گیرد؛ زیرا اطباء هنگام تعلیم و تعلم علوم طبی نیاز مند تشریح جسم انسانی می باشد، که در اصطلاح علمی آنرا جراحی تشریحی می نامند، این علم مشتمل بر قطع کردن و بریدن اجزای جسم و اعضاء می باشد.^{۱۶}

۴- تشریح جهت حفظ حیات جنین هنگامی که مادر قبل از ولادت وفات نماید، و حیات طفل ثابت باشد.

^{۱۲} بلحاج، العربی، الضمانات القانونية لزوع الاعضاء فی القانون الطبی الجزائریة، ۲۵، به نقل ازسایت انترنتی الموسوعة الطبیة العلمیة.

^{۱۳} علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ ش)، ۱۱/۵۹۳۰.

^{۱۴} محمد علی تهانوی، موسوعة کشف اصطلاحات الفنون والعلوم (لبنان: ناشرون، ۱۹۹۶ م)، ۱/۴۴۵.

^{۱۵} عبدالحمید شواربی، الخیرة الجنایة فی مسائل الطب الشرعیة. ۴۲. به نقل از وب سایت المكتبة الوقفیة.

^{۱۶} عبدالملک شفیق، مبادئ علم التشریح و وظائف الأعضاء (القاهرة: بی نا، ۱۹۷۲ م)، ۲۲۵.

حکم شرعی تشریح اعضای انسانی

پیرامون حکم شرعی تشریح جسد در قرآن کریم و سنت نبوی (ﷺ) هیچ صراحتی وجود ندارد که اباحت یا تحریم این عمل صراحتاً بیان شده باشد؛ اما در متون فقهای اسلامی هر گاه رجوع شود، می بینیم که احکام تطبیقات اعمال طبی جراحی بر جسد انسان بیان شده و احکام شرعی آن نیز واضح گردیده که وضع این چنین حکم می تواند در خصوص تشریح جثه انسانی نیز حکم کند. از نمونه های بارز این گونه قضایا فقهی مسأله شق بطن مادر متوفی برای بیرون کردن پسر زنده اش که آثار حیات او مشاهده شود.^{۱۷}

یقیناً مشروعیت تشریح در فقه اسلامی، بر اساس قواعد ترجیح بین مصالح و مفاسد استوار است، همچنان قواعد شرعی که مبنی بر رعایت مصالح راجح است، می باشد؛ چنانچه شریعت اسلامی بالای فریق از مسلمین آموختن علم طب را به عنوان واجب کفایی گردانیده است. و این علم بدون تشریح جسد ممکن نیست؛ اما علم تشریح اگر چه به درجه واجب نمی رسد اما اقلأً به عنوان مباح می توان آنرا پذیرفت.

علمای معاصر در مورد احکام تشریح اختلاف نظر دارند به این تفصیل:

قول اول: تشریح جثه میت برای غرض تعلیم و تعلم جایز نیست، این قول را جماعتی از علماء و باحثین گفته اند؛ از جمله ایشان شیخ محمد بنخیت المطیعی است.^{۱۸}

قول دوم: جواز تشریح جثه مرده های کفار حربی است، اگر جسد کفار پیدا نشد، برای تشریح از جسد مسلمانی که قبلاً اجازه داده باشد یا ورثه او اجازه بدهند جهت تعلیم و تعلم مانند اغراض دیگر جایز است، فتوای مبنی بر این سخن از جهات متعددی علمی صادر گردیده است: از جمله مجمع الفقه الاسلامی در مکه المکرمه و هیأت کبار العلماء عربستان سعودی و دارالافتاء مصر و غیرهم.^{۱۹}

دلایل قائلین به عدم جواز تشریح جسد انسانی

اول- حفظ کرامت انسانی:

دلیل ایشان از کتاب الله قول الله تبارک و تعالی است که میفرمایند: ﴿لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَبْرِ وَالْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلاً﴾^{۲۰} ترجمه: ما آدمیزادگان را گرمی داشتیم؛ و آنها را در خشکی و دریا، (بر مرکبهای راهوار) حمل کردیم؛ و از انواع روزیهای پاکیزه به آنان روزی دادیم؛ و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده ایم، برتری بخشیدیم.

وجه استدلال: آیه فوق بر تکریم خداوند متعال برای بنی آدم دلالت دارد، و این تکریم عام بوده شامل حال حیات بنی آدم، و ممات ایشان می شود. بناءً واضح است که در تشریح جسد مرده ها اهانت برای مرده ها می

^{۱۷} بار، علم التشریح عند المسلمین، ۱۰/۱

^{۱۸} العربی بن احمد بلحاج، "الأحكام الشرعية والطبية للمتوفى فى الفقه الإسلامی"، مجلة البحوث الفقهية المعاصرة ۴۲ (بی تا)، ۶۲.

^{۱۹} محمد سعید رمضان بوطی، "انتفاع الإنسان بأعضاء جسم إنسان آخر حیا أو میتا"، مجلة مجمع فقه اسلامی ۴ (۱۴۰۸)، هـ ق، ۵۵.

^{۲۰} الأسرء، ۷۰/۱۶.

باشد، زیرا عمل تشریح منجر به تقطیع اجزای جسم می شود و این کار برای میت اذیت است و اذیت منهی عنها بوده؛ بناءً مخالف مقصود باری تعالی از تکریم آدم می باشد، از اینرو شرعاً این عمل جایز نیست.^{۲۱}

دوم- هتک احترام و تذلیل مؤمن

عمده ترین دلیل مخالفان به تشریح اعضاء و شکافتن بدن مرده و بریدن اعضاء او، هتک حرمت میت مسلمان است. روایات بسیاری در باب ارزش و احترام و جایگاه بلند مسلمان مؤمن و مصونیت جان و مال و آبروی او وارد شده که هتک حرمت و اهانت و تحقیر او را حرام دانسته اند، از جمله: در مسند احمد ابن حنبل از پیامبر (ﷺ) نقل شده است: "كسر عظم الميت ككسره حياً"^{۲۲} ترجمه: شکستن استخوان مرده مؤمن، همانند شکستن استخوان او در زمان زندگی است.

همانگونه که ملاحظه می شود بر اساس روایات در متون دینی، رعایت حرمت میت همانند حی واجب و هتک حرمت و تذلیل فرد زنده و شخص متوفی حرام می باشد، و روایاتی که در مورد قطع عضو بدن فرد حی و میت آمده است، نشان می دهد که تشریح و برداشت عضو با حرمت و احترام صاحب عضو منافات دارد و موجب هتک حرمت و تذلیل او می شود، بناءً جایز نیست.

مستفاد از این روایت که از آن ها نیز از نظر سند صحیح است، این است که اصل احترام و کرامت مؤمن مسلمان اقتضاء دارد که جسد او پس از مرگ از تعرض مصون بماند و هر عملی که مغایر با این اصل باشد، عملی غیر مشروع و غیر قانونی شمرده شود، بنا براین تشریح و برداشت عضو از بدن مردگان مسلمان مجاز نیست.

سوم- حرمت مثله:

دلیل دیگری مخالفان تشریح اعضاء مردگان موضوع عمل مثله است و حکم مثله به اتفاق علماء حرام است، احادیث و روایات بسیاری از طریق خاصه و عامه بر حرمت آن دلالت دارد.

از جمله احادیث وارده در صحیح مسلم از حضرت بریده رضی الله عنه است: "كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا أَمَرَ أَمِيرًا عَلَى جَيْشٍ أَوْ سَرِيَّةٍ أَوْ صَاهُ فِي خَاصَّتِهِ بِتَقْوَى اللَّهِ وَمَنْ مَعَهُ مِنَ الْمُسْلِمِينَ خَيْرًا ثُمَّ قَالَ «اغزوا باسم الله في سبيل الله قاتلوا من كفر بالله اغزوا ولا تغلوا ولا تغدروا ولا تمثلوا»"^{۲۳} ترجمه: به تحقیق رسول الله (ﷺ) هنگامی که شخصی را بر لشکری یا گروهی به صفت فرمانده مقرر میکردند، برایش در مورد رفیق هایش و در مورد مسلمین دیگری که با او میباشند- در قدم اول، به ترس خدا مأمور و مخاطب قرار میدادند و به اعمال نیک مأمور و مکلف میساختند و بعد از آن میگفتند: بجنگید به نام خدا و در راه خدا و بجنگید با کسانی که به خدا کفر ورزیدند و مبالغه نکنید و فریب نخورید و مثله نکنید.

^{۲۱} شبیر، تشریح جسم الانسان لأعراض التعليم الطبية، ۷.

^{۲۲} ابو داود سلیمان بن الأشعث سجستانی، سنن ابی داود (بیروت: المکتبة العصرية، بی تا)، ۳/۲۱۲.

^{۲۳} ابو الحسن مسلم بن الحجاج بن مسلم الفشیری- نیشاپوری، صحیح مسلم (بیروت: دار الجیل، بی تا)، ۵/۱۳۹.

وجه استدلال: تشریح جُثه میت در تمثیل ظاهر آن، در عموم نهی وارد در این حدیث و غیره احادیثی که در آن نهی از نبی (ﷺ) وارد گردیده، که موجب حرمت مُثله و منع از آن می باشد، داخل است.

همچنان حدیث ام المؤمنین عائشه رضی الله عنها عن النبی (ﷺ) انه قال: "كَسْرُ عَظْمِ الْمَيْتِ كَسْرُ عَظْمِ الْحَيِّ"^{۲۴} ترجمه: شکستن استخوان مرده هم چون شکستن استخوان زنده است.

وجه استدلال: این حدیث بر حرمت کسر استخوان میت مومن دلالت دارد، و تشریح مشتمل بر همین کار است، بناءً این جایز نیست.

بررسی دلیل مُثله

دلیل فوق قابل تبصره میباشد چون مُثله با کالبد شکافی متفاوت بوده و حکم آنها از هم متمایز میباشد؛ چنانچه دانسته میشود که عمل مُثله به عنوان حس انتقام جویی در عرب جاهلیت معمول بوده و عرب دوره جاهلیت به همین منظور جسد حضرت حمزه رضی الله عنه کاکای پیامبر صلی الله علیه وسلم را پارچه پارچه کردند و همچنان عمل مُثله به خاطر تحقیر شخص و مجازات سخت جهت عبرت دیگران میباشد، اما تشریح اعضاء با رعایت مصلحت و حفظ کرامت انسانی جهت دانستن نوع مرگ، تشخیص ویروس های ساری به خاطر حفظ حیات دیگران صورت میگیرد و در آن هیچگونه قصد اهانت، عبرت گیری و انتقام جوئی وجود ندارد بنابر این عنوان مُثله با کالبد شکافی و از هم متفاوت میباشد و تشریح در حد ضرورت با رعایت شرایط آن جایز میباشد.^{۲۵}

چهارم - عدم جواز تأخیر دفن.

تشریح و کالبد شکافی اعضای بدن مردگان مستلزم تأخیر دفن است و حال آن که دفن مرده واجب است و تأکید بسیاری بر تجهیز و تسریع در دفن مرده مسلمان شده است و تأخیر طولانی در این امر جایز نیست.

وجوب دفن مردگان مسلمان از ضروریات است و روایات بسیاری بر آن دلالت دارد و برای جایز نبودن تأخیر در خاک سپاری به اخباری که تشویق به سرعت در تجهیز میت می کنند استدلال شده است.

چنانچه در مسند احمد روایت است: "عن علی بن ابی طالب أن النبی (ﷺ) قال له: "يا علي، ثلاثٌ لا تُؤخَرُها: الصلاةُ إذا أتت، والجنازةُ إذا حضرَتْ، والأيمُ إذا وجدتَ لها كُفُوًا"^{۲۶} ترجمه: از حضرت علی رضی الله عنه روایت شده که پیامبر (ﷺ) برایش فرمودند: ای علی! سه کار را به تعویق مینداز: نماز را هنگامی که وقتش برسد، جنازه را هنگامیکه پیش او قرار گیرد، دختر یازن بی شوهر را هنگامیکه برایش شخص مناسب و همتای خوبی را دریابی.

^{۲۴} ابو داود، سنن ابی داود، ۳/۲۰۴.

^{۲۵} خلجی رضا، "نگرشی نو بر مبانی فقهی حکم کالبد شکافی بر اساس آرای امام خمینی"، پژوهشنامه متین شماره ۶۵ (۱۳۹۳ هـ ش) ۱۰۹.

^{۲۶} ابو عبدالله احمد بن محمد بن حنبل الشیبانی، مسند امام احمد بن حنبل (بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۰ هـ ق)، ۱/۵۲۶.

وجه استدلال: ظاهراً به نظر میرسد استحباب شتاب در تجهیز مرده مسلمان به این دلیل است که شتاب مستلزم احترام او است و تأخیر جایز نیست چون موجب اهانت به مرده مسلمان است.

پنجم- قیاس:

دلیل مخالفین جواز تشریح جسد انسانی از قیاس، احادیث دلالت دارد که جایز نیست تا بالای قبرها نشست نمود، زیرا صاحب قبر به واسطه آن اذیت می شود، با وجود اینکه در جلوس مساس به جسد هم نیست، لذا به طریق اولی تقطیع اجزاء میت و پاره نمودن شکم او، عمل حرام پنداشته می شود. از جمله ی احادیث وارده درین باب روایتی است از حضرت ابی هریره رضی الله عنه که میفرماید: "قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَأَنْ يَجْلِسَ أَحَدُكُمْ عَلَى جَمْرَةٍ فَتُحْرِقَ ثِيَابَهُ فَتَخْلُصَ إِلَيَّ جِلْدُهُ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَجْلِسَ عَلَى قَبْرِ^{۲۷}" ترجمه: پیامبر خدا ﷺ فرمودند: این یکی از شما بر پاره آتشی بنشیند و آتش جامه اش را بسوزاند و به پوستش برسد، قطعاً بهتر از این است که روی قبر بنشیند.

ششم- قواعد شرعی:

مخالفین از قواعد شرعی ذیل استدلال برای منع جواز تشریح مینمایند.

۱ - قاعده "الضرر لا يزال بالضرر"^{۲۸} ترجمه: ضرر با ضرر دفع نمی گردد.

۲ - قاعده "لا ضررَ في الإسلام ولا ضرارٌ"^{۲۹} ترجمه: در اسلام ضرر رسانیدن و جواب ضرر را به ضرر دادن نیست.

وجه استدلال به این دو قاعده برحمت تشریح: قاعده اولی برفسده ضرر دلالت دارد مناسب است تا به واسطه ای ضرر مثل آن زایل نشود، اما تشریح جسد ازاله ضرر به مثل آن است، لذا قاعده ناظر بر عدم جواز آن است، اما قاعده دوم که بر حرمت اضرار به غیر دلالت دارد، واضح است که در تشریح اضرار به میت وجود دارد لهذا این کار جواز شرعی ندارد.

دلایل قائلین به جواز تشریح جسد انسانی

۱- دلیل از قیاس به چند وجوه:

وجه اول: تشریح همانند شق بطن میته حامله که برای استخراج جنین زنده آن صورت میگیرد جایز است؛ زیرا الله تبارک و تعالی می فرماید: ﴿وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَانَ مِثْلَ مَنْ أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا﴾^{۳۰} ترجمه: و هر که يك تن را زنده کند- یعنی وی را نکشد- چنان باشد که زنده کرده است همه خلق را. هر گاه شق بطن مادر برای حفاظت جنین او که مصلحت فردی است جایز باشد، برای مصلحت عامه به طریق اولی تشریح جایز خواهد بود.

^{۲۷} مسلم، صحیح مسلم، ۳/۶۲.

^{۲۸} ابو عبدالله بدرالدین محمد بن عبدالله زركشي، المنشور في القواعد الفقهية (كويت: وزارت الاوقاف الكويتية، ۱۴۰۵ هـ ق)، ۲/۳۲۱.

^{۲۹} عبد الرحيم بن الحسن بن علي الاسنوي، نهاية السؤل شرح منهاج الوصول (بيروت- لبنان: دار الكتب العلمية، ۱۴۲۰ هـ ق)، ۱/۳۷۸.

^{۳۰} المائدة، ۵/۹۱.

وجه دوم: تشریح جثه میت به غرض تعلیم و غیره جایز است، چنانچه تقطیع جنین برای نجات جان مادرش که هلاکت وی به سبب جنینش یقینی باشد، جایز می باشد.

وجه سوم: تشریح جثه میت جایز بوده مانند که جایز است بطن غاصب شق شود، تا مال مغصوبه از شکم او که آنرا بلعیده، بیرون کرده شود، این برای طلب مصلحت زنده ها است.

این مصلحت در حال تعلیم و تعلم طب برای تشریح نیز موجود است، زیرا قصد از تشریح جسد گاهی نجات زنده گی مریض، و گاهی هم نگهداشت مریض از آلام و درد ها می باشد، همه این ها ضروریات و حاجات بوده، به همین گونه در تشریح جنائی و تشریح کشف مرض به طریق اولی وجود دارد.^{۳۱}

۲- عمل بر اجرای وصیت متوفی مبنی بر حفظ حیات انسانی دیگر

اگر میت نصیحت کرده باشد که پس از مرگ اعضای مرا با کسی پیوند نمائید وارثین نیز طبق وصیت وی اعضای او را قطع نمودند، در چنین صورت اقدام به قطع اعضای او، اقدام به اجرای وصیت متوفی میباشد. وهمچنان حفظ حیات انسان از همه واجبات و محرمات مهم تر است، بنابر این امر میان حفظ حیات و حفظ واجب یا حرام، حفظ حیات مهم تر است. چنانچه خداوند متعال در رابطه به ارزش حیات میفرماید: ﴿وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَانَ مِثْلَ مَنْ أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا﴾^{۳۲} ترجمه: و هر که يك تن را زنده کند- یعنی وی را نکشد- چنان باشد که زنده کرده است همه خلق را.

و همچنان میفرماید: ﴿وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾^{۳۳} ترجمه: و کسی را که خدا کشتنش را حرام کرده است مگر به حق مکشید اینهاست آنچه خدا شما را بدان سفارش میکند، باشد که به عقل دریابید.

آیات فوق ارزش حیات انسان ها را ثابت میسازد، در آیت اول خداوند متعال حیات یک انسان را مساوی با حیات تمام خلق میدانند، و در آیت دومی کشتن انسان ها را الله متعال ممنوع اعلان میکند، بناء لازم است جهت حفاظت نفس انسان ها تلاش شود.

قائلین این نظریه از عموم آیات و احادیث نبوی (ﷺ) برنفاذ وصیت بر اعضا استدلال مینمایند و میگویند وصیت حق است، و نفاذ آن بالای ورثه در نطاق شروط و ضوابط شرعی واجب است. چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ﴾^{۳۴} ترجمه: بر شما فرض است هنگامی که یکی از شما را مرگ فرا رسد، اگر چیز خوبی [مالی] از خود به جای گذارده، برای پدر و مادر و نزدیکان، بطور شایسته وصیت کند! این حقی است بر پرهیزکاران!

^{۳۱} شاکر شبیر، "تشریح جسم الانسان لأعراض التعليم الطبی" (سیمینار بین المللی المسؤلیة الطبیة، لیبیا، بنغازی، ۱۹۸۷م)، ۲۲۰.

^{۳۲} المائدة، ۵/۹۱.

^{۳۳} الأنعام، ۶/۱۵۲.

^{۳۴} البقرة، ۲/۱۸۰.

و نیز رسول گرامی اسلام (ﷺ) وصیت کردند، بناءً سزاوار است که مسلمانان نیز وصیت کنند. حدیث ابن عمر (رضی الله عنه) نیز دلالت میکند: "مَا حَقُّ امْرِئٍ مُسْلِمٍ يَبِيتُ لَيْلَتَيْنِ وَلَهُ شَيْءٌ يُوصِي فِيهِ إِلَّا وَوَصِيَّتُهُ مَكْتُوبَةٌ عِنْدَهُ"^{۳۵} ترجمه: حق مرد مسلمان آنست که اگر چیزی دارد که در آن وصیت میکند، هیچ شبی بدون اینکه وصیت نوشته شده اش پیش او باشد نخواهد، یعنی احتیاط کند مبادا مرگش ناگهان فرا رسد.

وجه استدلال: در آیت فوق حدیث مذکور وصیت برای انسان ها جایز شمرده شده و هیچ گونه قید در آن وجود ندارد، بناءً وصیت بر اعضا نیز مشروع میباشد، و اجرای وصیت در چنین حالت جز توسط عمل تشریح صورت گرفته نمیتواند.

همچنان شیخ قرضاوی اجازه وصیت به جزء بدن شخصی متبرع را جایز شمرده مینویسد: "اذا جاز للمتبرع التبرع بذلك في حياته، مع احتمال أن يتضرر بذلك - وإن كان احتمالاً مرجوحاً - فلامانع أن يوصي بذلك بعد موته، إذا أصابته حادثة قدر فيها انتهاء أجله، فتؤخذ منه الأعضاء الصالحة للنقل، مثل القلب والكبد والكلية والرئتين والقرنية ونحوها، مما قرر الأطباء نفعه للغير"^{۳۶} ترجمه: اگر اهدای آن روا باشد که شخص آن را در زندگی اش برای دیگری اهداء کند، با احتمال اینکه در فقدان آن ضرری، عاید حالش گردد - اگرچه این احتمال مرجوح باشد، نه راجح - پس مانعی وجود ندارد که شخص، آن (عضوش) را بعد از مرگش وصیت کند و بیخشد؛ اگر به حادثه مواجه گردد که پایان عمرش در آن حادثه پیش بینی شده بتواند. پس درینصورت؛ اعضای انتقال پذیرش مانند قلب، جگر، شش، قرنیه و امثال آن گرفته میشود، به سلسله اعضایی که منفعتش به غیر در نزد اطباء ثابت است.

سپس به توضیح این مطلب می افزاید: "فهذا مشروع ومطلوب؛ لأن في ذلك منفعة خالصة للغير، دون احتمال ای ضرر علیه، فان سنة الله في هذه الاعضاء ان تتحلل بعد ايام وياكلها التراب، واذا اوصى ببذلها للغير قرينة الى الله تعالى، فهو مصاب وما جور على نيته وعمله، ولا دليل من الشرع على تحريم ذلك، والاصل الاباحة الا مامنع منه دليل صحيح صريح"^{۳۷} ترجمه: این یک کار مشروع و یک امر مطلوب است؛ زیرا که درین کار، منفعت خالص (بدون هیچ مضرت) برای غیر، متصور است، بدون اینکه ضرری بر آن (غیر) برسد. البته سنت خداوند متعال در مورد این اعضا چنین است که اعضای مذکور بعد از چندین روز منحل و نابود گردد و خاک آنها بخورد. اگر کسی برای دادن اعضای بدنش به شخصی وصیت کند البته به امید ثواب از درگاه خداوند رب العزت، پس بنا بر نیت و عمل نیکش پاداش میگیرد. اما هیچ دلیلی ناشی از شرع وجود ندارد که به حرمت اهدای عضو مذکور دلالت کند و اصل در مورد اشیاء اباحت است مگر در موردی که بر حرمتش دلیل صحیح شرعی وجود داشته و اهداء را منع کند.

همچنان شیخ قرضاوی تأکید می نماید که شریعت اسلامی به تمام ابتکارات عقل انسانی در عرصه های مختلف خوش آمدید گفته و از آن استقبال می نماید و اجازه می دهد تا با در نظر داشت اصول موضوعه از طرف این

^{۳۵} محمد بن عیسی الترمذی، الجامع الکبیر سنن الترمذی (بیروت: دار الغرب الاسلامی، ۱۹۹۸م)، ۳/۲۹۵.

^{۳۶} یوسف قرضاوی، الفتاوی المعاصرة (القاهرة: دارالوفاء، ۱۹۹۳)، ۲/۵۰۵.

^{۳۷} قرضاوی، الفتاوی المعاصرة، ۲/۵۰۶.

شریعت نو آوری را بوجود آورد چه در عرصه طب باشد یا سایر شئون زندگی مشروط بر اینکه قیّم اخلاقی و ارزش های دینی در آن مد نظر گرفته شود .

اما افزون بر آن اجازه تبرع وصیت به تمام اجزای بدن یا اکثر آنرا نمی دهد. زیرا منافی احکام مقررّه از طرف شرع مطهر برای میت اعم از غسل میت، تکفین و تجهیز او، نماز جنازه بالای وی و دفن نمودن او در مقابر مسلمین می باشد .^{۳۸}

۳- **دلیل قائلین به جواز تشریح از قواعد شرعی:** از جمله قواعد کلی شریعت اسلامی و مفسد عامه آن، اینست که هرگاه تعارض میان دو مصلحت به میان آید قویتر آنها مقدم میگردد، و هر گاه میان دو مفسده تعارض آید، خفیف ترین آنها را باید مرتکب شد تا از شدیدتر آنها جلوگیری گردد.

چنانچه میخوانیم "إِذَا تَعَارَضَتْ مَفْسَدَتَانِ دُفِعَ أَعْظَمُهُمَا بِأَرْثَكَابِ أَخْفَاهُمَا"^{۳۹} ترجمه: وقتی دو ضرر باهم متلاقی و متعارض شوند به ضرر کوچک عمل میگردد تا ضرر بزرگتر دفع شود.

وجه تطبیق قاعده: هر آئینه مصلحت مترتبه بر تشریح جثه متوفی به غرض تعلیم طبی به عنوان مصلحت عامه معتبر بوده، و منافع آن به عموم جماعت راجع می گردد، از همین روی بالای این عمل (تشریح جسد انسانی) تداوی و دفع ضرر امراض از مجتمع و حصول سلامت افراد آن به اذن الله مرتب میگردد، که این خود مصلحت مرسله بوده که نصوص شرعی بدان گواه است.

اما مصلحت امتناع از تشریح، مصلحت خاصه تعبیر گردیده، که تنها متعلق به میت می باشد، بناءً در اینجا دو مصلحت با هم متعارض گردیده اند، و بدون شک مصلحت عامه که متعلق به جماعت بوده مقدم دانسته می شود، و آن عبارت از تشریح جثه میت است که باید اجازه داده شود. فلهمذا تشریح طبی جایز بوده زیرا در آن مصلحت حفظ نفوس بشری موجود است.

از جمله قواعد شرعی "الضّرّ الأشدّ یزال بالضّرّ الأخف"^{۴۰} ترجمه: ضرر شدید با وارد آوردن ضرر اندک دفع و زائل میگردد. و حاجت به منزله ضرورت بوده که قاعده: "الضرورات تُبیحُ المحظورات"^{۴۱} ترجمه: ضرورت ها محظورات (امور ممنوعه) را مباح میسازد قاعده معمول بها می باشد.

همچنان در زمره قواعد شرعی یکی هم این قاعده میباشد: "ما لم یتم الواجب إلاّ به فهو واجب"^{۴۲} ترجمه: آنچه تحقق امر واجب بر آن موقوف باشد، نیز واجب است.

^{۳۸} یوسف قرضاوی، دیدگاه های فقهی معاصر، مترجم: احمد نعمتی (تهران: احسان، ۱۳۸۴ ش)، ۳/۳۲۰.

^{۳۹} أبو زکریا محیی الدین یحیی بن شرف النووی، المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج (بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۳۹۲ ش)، ۱۵/۱۴۴.

^{۴۰} احمد بن الشیخ محمد زرقا، شرح القواعد الفقهیة (سوریه: دارالقلم دمشق، ۱۴۰۹ هـ ق)، ۱/۱۹۹.

^{۴۱} زرقا، شرح القواعد الفقهیة، ۱/۱۸۵.

^{۴۲} زرقا، شرح القواعد الفقهیة، ۱/۴۸۶.

و تعلیم طبی و علم جراحی، از جمله ای سد حاجت های بشری می باشد، زیرا علم موقوف به جراحی بوده، فلذا تشریح جسد انسانی، مشروع و به این اعتبار از جمله واجبات به شمار می آید.

دکتر وهبة الزحیلی در کتاب خویش (الفقه الإسلامی و أدلته) پیرامون تشریح جسد انسانی می نویسد: "یجوز التشریح عند الضرورة أو الحاجة بقصد التعليم لأغراض طبية، أو لمعرفة سبب الوفاة وإثبات الجناية على المتهم بالقتل و نحو ذلك..."^{۴۳} ترجمه: مطالعه ی اعضای مرده، هنگام ضرورت یا در وقت حاجت و نیاز به آن، به غرض تعلیم به رعایت اغراض و مقاصد طبی یا به غرض معرفت علت مرگ و وفات و به غرض کشف و اثبات اتهام جنایت بر متهم به قتل و امثال آن، روا بوده و از لحاظ شرعی، اشکال ندارد.

شروط جواز تشریح جسد از نظر موافقان

- ۱- تحقیق از مرگ انسان، بالای جثه و بدن شخص مورد نظر عمل تشریح اجراء گردد.
- ۲- موافقه ذوی الشان از اهل میت و ورثه او قبل از وفات یا بعد از وفاتش در حالت تشریح جسد انسان های که معروف الاهل و ورثه اند، اما غیر معروفین این شرط را ندارد.
- ۳- اینکه این تشریح یا اجازه ای آن در مقابل مادیات و دریافت پول نباشد.
- ۴- عمل تشریح به مقدار ضرورت صورت بگیرد، یعنی بدون ضرورت تماماً اعضای بدن را شامل نشود.
- ۵- دفن ما بقی اعضای میت باید صورت گیرد، زیرا اصل حکم شرعی سرعت بخشیدن به دفن میت است.
- ۶- ثبوت وجوه ضرورتیکه طلب تشریح جسد میت را بنماید.^{۴۴}

تشریح از نظر امام خمینی در فقه شیعه

- درفقه شیعه به اساس نظر امام خمینی در سه صورت ذیل تشریح اعضاء جواز دارد:
- ۱- هدف از تشریح تکمیا اطلاعات طبی به خاطر نجات جان انسان مسلمان و حفظ حیات وی باشد که بدون تشریح مقصود حاصل نشود.
 - ۲- امکان دسترسی به میت غیر مسلمان فراهم نباشد.
 - ۳- تشریح به مقدار و اندازه ضرورت حاصل شود نه بیشتر از آنچه که ضرورت است.
- اما در موارد چون: حفظ حیات انسان، برای آموزش و تعلیم، تشخیص جرم و توطئه، اجرای عمل وصیت، بدست آوردن اموال دیگران، و صلاح دید ولایت فقیه، تشریح اعضاء به اتفاق فقهاء شیعه جواز دارد.^{۴۵}

^{۴۳} محمد بن مصطفی الزحیلی، القواعد الفقهية وتطبيقاتها فی المناهبة الاربعه (دمشق: دارالفکر، ۱۴۲۷هـ ق)، ۴/۱۶۱.

^{۴۴} کوثر، نقل و پیوند اعضاء انسان در پرتو احکام فقه اسلامی، ۲۴۸.

^{۴۵} نمازی فر، حسین وفتح الله قربانی، "بررسی و تحلیل حکم تشریح از دیدگاه فقه شیعه با رویکرد بر دیدگاه امام خمینی"، مجله علمی- پژوهشی علوم تشریح ایران ۳۲-۳۳ (۱۳۸۹ هـ ش)، ۲۱۴-۲۱۷.

حکم دیت در تشریح

از نظر فقهای شیعه هرگاه تشریح اعضاء در غیر صورت های که جواز آن در بالا تذکر داده شده صورت گیرد دیت اعضاء واجب میشود، اما در سه مورد یکی وصیت خود شخص دوم اجازه ولایت فقیه سوم در حالات اضطرار به خاطر حفظ حیات بستگی به ماهیت موضوع دارد؛ هرگاه تشریح به اساس وصیت باشد دیده میشود اگر وصیت مجانی باشد دیت نیست اما اگر مطلق باشد دیت واجب میشود، اجازه ولایت فقیه مانند حالت وصیت است یعنی اگر مجانی بود دیت نیست در غیر صورت دیت واجب است و هنگام حالت اضطرار به خاطر حفظ حیات هم دیت واجب میشود.

مقدار پرداخت دیت یک دهم دیت کامل است یعنی در مقابل هر عضو انسان زنده مقدار دیت که تعیین است یک دهم حصه آن شامل حالت تشریح میشود.^{۴۶}

تشریح اعضای انسان از نظر علم طبابت

از دیدگاه اطباء تشریح جسد میت با در نظرداشتن قانون طب عدلی در موارد مختلف صورت میگیرد مخصوصاً هنگامی که اسباب و علت مرگ برای دستگاه قضایی مورد شک قرار گیرد و همچنان احتمال وقوع جنایتی در میان باشد، متخصصین طب عدلی جسد میت را مورد بررسی علمی و معاینه قرار داده و با کالبدگشایی آن، در مورد نحوه حادثه و علت مرگ، اظهار نظر مینمایند. متخصص این بخش بر اساس شواهد و قرائن موجود در خصوص وسعت میزان کالبدگشایی تصمیم خواهد گرفت و این اقدام دقیقاً همچون یک جراحی، به تشخیص علت مرگ و احقاق حق قربانی و بازماندگان وی کمک خواهد نمود، جسد های که توسط اطباء، تشریح می شود و مورد معاینه قرار میگیرد می تواند شاهد گویایی از وقوع یک جرم یا یک واقعه باشد. در بسیاری از موارد در جسد علایمی دیده می شود که به منزله زبان گویایی از شرح واقعه و نحوه چگونگی مرگ است. تشخیص علت مرگ، تعیین هویت، سن، جنس، نژاد، زمان مرگ و صدور جواز دفن از وظایف عمده متخصصین طب عدلی است. از آنجا که معلوم است منظور از تشریح جسد، چه در معاینات ظاهری و چه در معاینات کالبدگشایی از طرف اطباء صورت میگیرد پاسخ به سؤالات دستگاه قضایی و یا هم پاسخ به شبهات تشخیصی بیمارستانی میباشد و این اهداف در موارد ذیل انجام میشود:

۱- اوتو پسی (معاینات داخلی جسد) با هدف تعیین علت فوت و سایر یافته های مرتبط با آن.

۲- تشخیص هویت جسد: اهمیت این موضوع را میتوان در قربانیان حوادث دسته جمعی مشاهده نمود، و متخصصین طب عدلی با در نظر داشت آموزش های که دیده اند در مورد لباسها و سایر مدارک و متعلقات جسد که میتواند حکم مدرک را داشته باشد آنرا به عنوان مدارک اثباتیه جرم مورد نگهداری قرار میدهند.

^{۴۶} لطفی، اسدالله، "حکم تشریح از دیدگاه فقه اسلامی"، مجله اخلاق و تاریخ پزشکی ۲ (۱۳۸۸ هـ ش)، ۳۴.

۳- تعیین زمان گذشته از مرگ: در ۲۱ ساعت اول بعد از مرگ از جمود نعشی (خشکی و سرد شدن بدن) و هیپوستاز (تغییر رنگ بدن به سُرخ یا بنفش) میتوان برای تعیین زمان سپری شده از فوت کمک گرفت، جمود نعشی و میزان آنرا با معاینه آرام اندامها میتوان اندازه گیری کرد، از ۱۳ ساعت تا سه هفته، فساد نعشی و میزان پیشرفت آن در تعیین زمان گذشته از فوت کمک کننده خواهند بود و در صورتی که ماهها و سالها از مرگ متوفی بگذرد، همچنان شکل گرفتن آدیوسیر و یا مومیایی شدن جسد در تعیین زمان فوت مؤثر خواهند بود.

۴- تهیه و جمعآوری نمونه برای آزمایشات سم شناسی، آسیب شناسی... در مواردی که تعیین علت فوت منوط به حصول جواب آزمایشات است، نمونه برداری انجام میشود.^{۴۷}

با در نظر داشت مطالب فوق در افغانستان تشریح جسد میت توسط طب عدلی با رعایت مقرره های وضع شده از طرف وزارت صحت عامه کشور صورت میگیرد، چنانچه در مواد هفتم، هشتم و نهم قانون طب عدلی آمده: متخصص طب عدلی حین مطالبه پولیس، سارنوال قاضی یا سایر مراجع ذیصلاح قانونی مکلف به اشتراک در مشاهده محل واقعه و نبش قبر میباشد.

متخصص طب عدلی به حیث اهل خبره در امور معاینات (تشریح جسد) و تشخیص مطابق احکام قانون اجراءات جزائی اشتراک نموده در کشف جرم و بدست آوردن مدارک اثباتیه آن کمک مینماید.

متخصص طب عدلی مکلف است، مطالبه پولیس، سارنوال قاضی یا سایر مراجع ذیصلاح قانونی در مورد نتایج مرتبه خویش توضیحات لازم ارائه کرده و در صورت لزوم در جلسه محکمه حاضر شود.^{۴۸}

ترجیح:

پس از مطالعه و بررسی هر دو نظریه و ادله آنها آنچه به نظر بنده در زمینه تشریح جسد یا کالبد شکافی راجح معلوم می شود عدم جواز آنست زیرا اسلام مُثله کردن، هتک حرمت و ستم بر میت مسلمان را که سربریدن و شکستن استخوان و یا شگافتن شکم و دیگر انحاء بریدن ها باشد اجازه نمیدهد. چرا که احترام مرده مسلمان مثل احترام زنده اوست بلکه بالاتر می باشد.

امروز آنچه به نام کالبد شکافی یا تشریح جسد نامگذاری میشود؛ وبدون نیاز انجام میشود جواز ندارد، مگر زمانیکه ضرورت اقتضاء کند که در این صورت به قدر ضرورت اشکالی ندارد. البته این مورد در باره کالبد شکافی یا تشریح جسد انسانی به منظور تعلیم و تعلم بوده چون؛ موضوع تعلیم و آموزش میتواند از راه های دیگر مثل شرکت محصلین در عمل های جراحی حقیقی که روی مریضان صورت میگیرد و یا هم اسکلیت های مصنوعی که توسط شرکت ها در بازار ارزه شده و دانش آموزان میتوانند با استفاده از این طرق بر دانش خود بیفزایند. اما آنچه بر می گردد به تشریح جنائی و یا کشف امراض مهلک، راجح در آنها جواز تشریح بوده، زیرا اقتضای ضرورت و برائت متهم برئ الذمه و اثبات مجرم بدان است؛ همچنان نجات عامه مردم از امراض مهلک و مصلحت عموم در آن نهفته است.

^{۴۷} حمید ستوده و احمد احمدی، "کالبد شکافی جنایی؛ پردازش فقهی"، فصلنامه فقه پزشکی ۹ (۱۳۹۱ هـ ش)، ۱۰۵-۱۰۷.

^{۴۸} وزارت عدلیه، جریده رسمی، قانون طب عدلی (کابل: مطبعه بهیر، ۱۳۸۵ ش).

اما به صورت مطلق تشریح جسد انسانی جواز ندارد ، زیرا اگر به طور مطلق جواز داده شود ممکن دشمنان اسلام عمل تشریح جسد را نسبت به شهدای مسلمان انجام دهند و در این صورت سبب هتک حرمت شهداء گردیده و این امری است که شرعاً از آن اعراض کرده اند در حالی که فایده معقولی به آنچه سبب یا داعی برای آن باشد مترتب نیست، همانطوریکه قبلاً در جریان بحث گفتیم. اما نسبت به کافری که با اسلام و مسلمین جنگ دارد (کافر حربی) پس حرمتی برای او در حال حیاتش نیست، در نتیجه بعد از مرگش هم حرمتی ندارد پس مانعی از تشریحی بدن کافر حربی وجود ندارد به خاطر هر غرض و هدفی که باشد، و دیت هم وجود نداشته باشد و گناهی هم در این مورد نیست.

و در قسمت دلایل موافقین و مخالفین جواز تشریح چنین توافق میاوریم؛ در صورتی که نیاز مبرم برای تشریح وجوداشت نداشته باشد وفق نظر ودلایل که از طرف مخالفین مطرح شد حکم به عدم جواز است، اما هنگامیکه ضرورت مبرم بوجود آید طبق نظر موافقین با در نظر داشت دلایل شان که در جریان بحث ارائه گردید حکم به جواز تشریح است. و الله تعالی اعلم.

نتیجه گیری

پس از تحقیق از لابلائی مباحث فوق به این نتیجه رسیدیم که تشریح اعضاء یا کالبد شکافی عبارت از علمی است که در باره ترکیب اجسام عضوی، تجزیه و تحلیل آن و قطع نمودن و شق کردن به طور علمی، برای جستجو و تحقیق طبی بحث می نماید. و در زبان انگلیسی این علم را به نام (Anatomy) یاد می کنند. و تشریح اعضاء روی اغرض چون: شناخت مجرم و اظهار برائت متهم، برای معرفت سبب وفات در حوادث قتل، برای تحدید سن و تعیین عمر و جنس، برای کشف امراض مهلک چون وباء و همچنان برای تعلیم و تعلم و معرفت اعضاء و وظایف آن صورت میگیرد، زیرا اطباء هنگام تعلیم و تعلم علوم طبی نیاز مند تشریح جسم انسانی می باشند. و در قسمت حکم شرعی تشریح اعضاء دو نظریه فقهی وجود دارد:

دیدگاه اول: تشریح اعضاء را همانند شق بطن میت حامله که برای استخراج جنین زنده آن صورت می گیرد، جایز میدانند، زیرا الله تبارک و تعالی می فرماید: ﴿وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَانَ مِثْلَ مَنْ أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا﴾ هر گاه شق بطن مادر برای حفاظت جنین او که مصلحت فردی است جایز باشد، برای مصلحت عامه به طریق اولی تشریح جایز میباشد. و از طرف دیگر هر آئینه مصلحت مترتبه بر تشریح جثه متوفی به غرض تعلیم طبی به عنوان مصلحت عامه معتبر بوده، و منافع آن به عموم جماعت راجع می گردد، از همین روی بالای این عمل (تشریح جسد انسانی) تداوی و دفع ضرر امراض از مجتمع و حصول سلامت افراد آن به اذن الله مرتب گردیده، که این خود مصلحت مرسله بوده که نصوص شرعی بدان گواه است.

دیدگاه دوم: گروهی از فقهاء به دلیل حفظ کرامت انسانی نظر به این قول الله تبارک و تعالی ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ﴾ تشریح اعضاء میت را جایز نمیدانند، مگر در صورت ضرورت، زیرا در تشریح اعضاء کرامت از بین رفته و هتک حرمت میت بوجود میاید در حالیکه بر اساس روایات در متون دینی، رعایت حرمت میت همانند حی واجب و هتک حرمت و تذلیل فرد زنده و شخص متوفی حرام می باشد. و روایاتی که در مورد قطع عضو بدن فرد حی و میت آمده است، نشان می دهد که تشریح با حرمت و احترام صاحب عضو منافات داشته و موجب هتک حرمت و تذلیل او می شود، بناءً جایز نیست. و در قسمت دیت اعضاء از نظر فقهای شیعه در صورت وصیت مطلق و اجازه ولایت فقیه و حالات اضطرار به خاطر حفظ حیات انسان دیت به مقدار ی دهم عضو واجب میشود.

روی ملحوظات فوق گفته میتوانیم تشریح اعضاء هنگام ضرورت روی اغراض مختلف در محدوده خود جواز دارد اما حکم به جواز شکل مطلق نبوده زیرا اگر چنین باشد عمل تشریح بدون ضرورت صورت میگیرد که این امر موجب هتک حرمت میت شده و کرامت انسانی که یک اصل است از بین میرود، و در چنین حالت این عمل مخالف شرع میباشد.

پیشنهادات

علماء و دانشمندان فقه اسلامی با در نظر داشت شرایط زمان و نیاز مندی های بشر احکام را برای انسانها بیان نموده که در هر عصر و زمان حلال مشکلات آنها می گردد. تشریح اعضاء از جمله موضوعات میباشد که فقهای کرام احکام آن را حسب ضرورت انسان ها به تفصیل بیان نموده اند، و دانستن حقایق متذکره ایجاب تحقیق علمی را می نماید. از همین رو نکاتی آتی الذکر پیشنهاد می گردد:

۱- به منظور نیل و رسیدن به فهم و درک بیشتری در مورد حکم تشریح اعضاء جهت دانستن نوع بیماری های ساری، تشخیص و نوعیت جرم، تعلیم و تعلم باید تحقیق عمده پیرامون اطراف موضوع اعم از جوانب طبی و فقهی آن آغاز گردد. لهذا به پوهنتون بلخ، وزارت صحت عامه کشور و سایر مراجع اکادمیک و علمی پیشنهاد می نمایم تا با به راه انداختن سیمینار ها و کنفرانس های علمی- تحقیقی و پروژه غنی و بیشتر در مورد موضوع کالبد شکافی، تحقیقات گسترده نماید.

۲- به وزارت محترم تحصیلات عالی کشور پیشنهاد می نمایم تا تحت عنوان قضایای فقهی معاصر موضوع پیوند اعضاء را در کریکولم پوهنئی های شرعیات جا داده و روی آن بحث های علمی نمایند.

۳- به وزارت صحت عامه کشور پیشنهاد می نمایم که در مورد چگونگی، تشریح اعضاء میت از زوایه علوم طبی تحقیقات اکادمیک و همه جانبه نموده و پس از نتایج آن قوانین خاص در این مورد وضع نموده، و تشریح اعضاء را طی شرایط قانونی حسب ضرورت عمل مجازشمرده و آنرا هموطنان ما به عنوان دستاورد های علمی تقدیم نمایند.

۴- به تمام خوانندگان عزیز پیشنهاد مینمایم که بعد از مطالعه این مقاله آنچه را آموختن به دیگران انتقال دهند تا باشد از یک طرف ادای مسؤلیت نموده و از طرف رهنمای خوبی در عرصه احکام فقهی، تشریح اعضاء برای افراد جامعه مخصوصا طبیبان کشور شوند.

منابع

- ابن منظور ابوالفضل جمال الدين، محمد مكرم. لسان العرب. بيروت: دار صادر بى تا.
- ابوخطوة، احمد شوقى عمر. القانون الجنائى و الطب الحديث. مصر: دار الوفاء، ١٩٩٧ م.
- أنيس، ابراهيم، منتصر ، عبدالحليم و ديكران. المعجم الوسيط. استانبول: دار الدعوة، ١٩٨٩ م.
- اصفهانى، حسين بن محمد بن المفضل. المفردات فى غريب القرآن. دمشق: دار العلم، ١٤١٢ هـ ق.
- الإسنوى، عبد الرحيم بن الحسن بن علي. نهاية السؤل شرح منهاج الوصول. لبنان: دار الكتب العلمية، ١٤٢٠ هـ ق.
- بوطى، محمد سعيد رمضان. انتفاع الإنسان بأعضاء جسم انسان آخر حيا أو ميتاً. مجله مجمع فقه اسلامى، ١٤٠٨ هـ ق.
- بلحاج العربى بن احمد. الأحكام الشرعية والطبية للمتوفى فى الفقه الإسلامى. مجلة البحوث الفقهية المعاصرة، شماره ٤٢ بى تا.
- بلحاج العربى بن احمد. الضمانات القانونية لزراع الاعضاء فى القانون الطبى الجزائرية. به نقل ازسايت انترنتى الموسوعة الطبية العلمية، بى تا.
- بار، محمد على. علم التشريح عند المسلمين. السعودية: بى جا، بى تا.
- تهانوى، محمد على. موسوعة كشاف إصطلاحات الفنون والعلوم. لبنان: ناشرون، ١٩٩٦ م.
- الترمذى، محمد بن عيسى. الجامع الكبير سنن الترمذى. بيروت: دار الغرب الاسلامى، ١٩٩٨ م.
- خلجى، رضا، نگرشى نو بر مبانى فقهى حكم كالبد شكافى بر اساس آراى امام خمينى. پژوهشنامه متين، شماره ٦٥، ١٣٩٣ هـ ش.
- دهخدا، على اكبر. لغت نامه دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ١٣٧٣ هـ ش .
- الزحيلى، وهبة بن مصطفى. الفقه الإسلامى وأدلته. باكستان: رشيدية، بى تا.
- الزحيلى، وهبة بن مصطفى. القواعد الفقهية وتطبيقاتها فى المذاهب الاربعة. دمشق: دار الفكر، ١٤٢٧ هـ ق.
- زرقا، احمد بن الشيخ محمد. شرح القواعد الفقهية. سوريه: دارالقلم دمشق، ١٤٠٩ هـ ق.

زرکشی، ابو عبدالله بدرالدین محمد بن عبدالله. *المنثور فی القواعد الفقهية*. کویت: وزارت الاوقاف الكويتية، ۱۴۰۵ هـ ق.

ابو داود، سلیمان بن الأشعث السجستانی. *سنن ابی داود*. بیروت: المكتبة العصرية، بی تا.
ستوده، حمید واحد احمدی. کالبد شگافی جنایی؛ پردازش فقهی. فصلنامه فقه پزشکی، شماره ۹، ۱۳۹۱ هـ ش.
شبیر، شاکر. *تشریح جسم الإنسان لأعراض التعليم الطبي*. *سینار بین المللی المسؤلیة الطبية*، لیبیا، بنغازی، ۱۹۸۷ م.

شواری، عبدالحمید. *الخبرة الجنایة فی مسایل الطب الشرعیة*. به نقل از وب سایت المكتبة الوقفية.
شفیق، عبدالملک. *مبادئ علم التشريح ووظائف الأعضاء*. القاهرة: بی تا، ۱۹۷۲ م.
الشیبانی، ابو عبدالله احمد بن محمد بن حنبل. *مسند امام احمد بن حنبل*. بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۰ هـ ق.
قضاوی، یوسف. *دیدگاه های فقهی معاصر*. مترجم. احمد نعمتی. تهران: احسان، ۱۳۸۴ ش.
قضاوی، یوسف. *الفتاوی المعاصرة*. القاهرة: دارالوفاء، ۱۹۹۳.
مسلم، ابوالحسن مسلم بن الحجاج القشیری، النیشاپوری. *صحیح مسلم*. بیروت: دارالجیل، بی تا.
کوثر، نورالله. *نقل وپیوند اعضای انسان در پرتو احکام فقه اسلامی*. کابل: انتشارات سیرت، ۱۳۹۲ ش.
لطفی، اسدالله، حکم تشریح از دیدگاه فقه اسلامی. *مجله اخلاق و تاریخ پزشکی*، شماره ۲، ۱۳۸۸ هـ ش.
النووی، أبو زکریا محیی الدین یحیی بن شرف. *المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج*. بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۳۹۲ ش.

نمازی فر، حسین وفتح الله قربانی، بررسی و تحلیل حکم تشریح از دیدگاه فقه شیعه با رویکرد بر دیدگاه امام خمینی. *مجله علمی- پژوهشی علوم تشریح ایران*، شماره ۳۲-۳۳، ۱۳۸۹ هـ ش
وزارت عدلیه، *جریده رسمی*، قانون طب عدلی. کابل: مطبعه بهیر، ۱۳۸۵ ش.

واژه یاب، "حکم" (دسترسی ۳۱ جوزا ۱۴۰۰). www.vajehyab.com